

غزنویان و نقش آنها در تاریخ هنر افغانستان

غزنه پایتخت یکی از بزرگترین دودمان های سلطنتی افغانستان میباشد که در قرون ده و دوازده در سرزمینی وسیعی که شمال آن به ماورای آمو دریا و جنوب آن به شبه قاره هند و غرب آن به سرزمین پارس میرسید ، حکومت داشتند. این امپراطوری که با بکار گیری الپتگین در اردوی سامانی شکل گرفت ، دیری نگذشت که شاهنشاهی قدرتمندی را در غزنه پایه گذاری نموده و در اندک زمان ممکنه تاریخی جغرافیای وسیعی را تحت اداره واحد آورد. مردان بزرگی از این دودم ان چون سلطان محمود و سلطان مسعود از ردیف مردان انگشت شمار این سرزمین میباشد که با درایت و هوشیاری سیاسی ، فرهنگی ، ادبی ، اقتصادی و مذهبی که داشتند برگ های زرین تاریخ افغانستان (خراسان) را ورق زدند.

الپتگین به حیث بنیان گذار سلسله غزنویان و سبکتگین جانشین او از جمله اشخاص مدبر در امور دولتمداری و دولت گشایی بوده و عرض بیست سال حکومت قادر به واحد ساختن جغرافیای خراسان و از میان برداشتن ملوک الطوائف بستر انکشافات اجتماعی ، اقتصادی و هنر و صنایع را هموار ساخت . آمده است که الپتگین از جمله غلامان احمد بن اسمعیل سامانی بود و در خدمت گذاری به دربار سامانیان سعی بلیغ به خرج میداد. خدمت گذاری الپتگین باعث گردید تا بعد از مرگ احمد نیز از نزدیکان شاه باقی ماند . الپتگین با خدمات که در رکاب شاهان سامانی انجام داد ، از موقعیت و اعتبار خاص در حکومت سامانی برخوردار گردید تا بلاخره زمانی که روابط الپتگین با عبدالملک روبه سردی گذاشت بخت اقبالش بیدار شد . عبدالملک بخاطر جلب خاطر این شخص با نفوذ در اراکین سلطانی ، وی را به سپهسالاری خراسان منصوب نمود .

این نقطه سرآغازی بود که در اضمحلال دولت مقتدر سامانی و ایجاد سلسله جدید دانشمندان و محققین را به خود جلب نموده است. و حقی که الپتگین با ذکاوت سیاسی که داشت از فرصت های بدست آمده بیشترین استفاده را نمود تا بعد ها امپراطوری بزرگی را در آسیای جنوب شرقی به تاریخ کشور به ارمغان آورد . الپتگین با حرکت خردمندان و ستراژییک از نیشاپور به سمت بلخ و از آنجا به بامیان و از بامیان به کابل و غزنین فرودآمده و حکام آنها را از سر راه برداشت. این حرکت نظامی و سیاسی الپتگین حرکتی بود که حکمرانان سامانی را که از اداره روبه زوال چیزی بیشن نداشتند ، تکانی داده و از خواب دولتمداری بیدار سازد . الپتگین چند سالی در غزنی به اداره امور و کشورگشایی به سر گذراند تا قبل از جنگی که با شاهان هندی در وادی سند چشم از جهان پوشید.

مدتی غزنی یکبار دیگر دست به دست حکام محلی گردیده تا سبکتگین که از جمله غلامان الپتگین بود و بعد ها بنا بر متعهد بودنش به شاه و خانواده شاه و رشادات که در اردوی الپتگین از خود نشان داده بود ، به دامادی الپتگین درآمده بود. این خویشاوندی زمینه امپراطوری را آماده تر کرد که الپتگین آنرا پیریزی نموده بود. سبکتگین شخصی بود مدبر ، سیاسی ، نظامی و رعیت پرور ، با تعقیب سیاست های داخلی و خارج که در برابر حکام محلی در شهر های اطراف غزنی و حکام شمال و غرب کشور ، اتخاذ نمود در اندک زمان ممکن وسعت کشور را در شمال به کوه های هندوکش و در شرق وادی سند رسانید. این لشکر کشی ها از دو بعد مورد بحث و تدقیق میتواند قرار گیرد. یکی اینکه اعتبار سیاسی سلطنت جدیدالتاسیس را به منتهی درجه بلند برد که میتوانست در چشمی در برابر شاهان سامانی باشد و از بعد دیگر اینکه این حملات و موفقیت ها باعث سیر آب شدن ذخایر سلطانی میشد. غنایم بدست آمده از سرزمین های هند باعث گردید تا سبکتگین قوای مجهز تهاجمی را تاسیس و در ساخت و ساز راه های مواصلاتی به هدف کشور گشایی سعی بلیغ نمود .

محمود بعد از مرگ پدر و مطیع ساختن برادر به حاکمیت غزنی رسید. از تدابیر سیاسی که محمود بخاطر بقای خود گرفت ، زندانی ساختن برادر بزرگش (که بعد ها در زندان بپرد) و لشکر کشی رعیت سازی نیشاپور ، طبرستان و بخارا و مرو بود تا آخرین بقایای سامانی را از صحنه سیاسی کشور بدور سازد و دولت مرکزی قوی را بر اساسات آن نچه در زمان الپتگین و سبکتگین بنا یافته بود ، اعمار نماید. این شخص که پایه گذار اصلی سلسله ترکان غزنوی میباشد دولتی را ساخت وسیع ، امن ، روبه انکشاف با پایه های متمدن روز. محمود اولین شاهی است که نام سلطان را در القاب خود مورد استفاده قرار داد. در این عصر ادبا ، شعرا ، هنرمندان ، صنعتکاران ، و ده ها تیف دیگر از اجتماع مورد احترام و نوازش قرار گرفت. این سیاست محمود زمینه انکشاف معماری (سبک معماری دینی و معماری رهایشی) ، انکشاف ادب دری و صنایع مستظرفه را مساعد نمود.

اعمار قصر ها ، مساجد ، باغ ها ، کاروان سرا ها ، مناره ها ، مقبره ها ، سرای ها ، راه های مواصلاتی از مشخصه های انکشاف روز افزون شهری دوره غزنویان محسوب میگردد که بخشی عظیمی از آنها در نقاط مختلف جغرافیای تحت حکمروایی غزنویان بجا مانده است.

ایجاد فضای آزاد تفکر اجتماعی ، مدنی و هنری و تأمین امنیت بی همتا در اقسا نقاط شاهنشاهی خراسان زمین باعث گردید تا شخصیت های بزرگ ادبی ، هنری ، ظهور نموده و صفحه بزرگ و زرینی در تاریخ هنر و ادب این مرزبوم رقم خورد . اعمار راه های مواصلاتی در انکشاف تجارت و اقتصادیات شهر های خراسان (افغانستان) ، تقدیر و ارج گذاری هنرمندان و صنعتگران ، ادبا و شعرا در کنار سرازیر شدن سرمایه های هنگفتی که در اثر حملات در شبه قاره هند صورت میگرفت ، زمینه شکل گیری سبک منحصر به فرد غزنویان را مساعد ساخت. هر چند آثار بجا مانده قرون ده الی دوازده که بزرگترین و مقتدر ترین امپراطوری زمان بود اندک میباشد ولی آنچه بجا مانده کمک کننده اصلی در راستای شناسایی زوایای متمدن این دودمان میباشد. مجموعه لشکری بازار که شامل قصر ها ، مساجد ، محلات رهایشی ، بازار ها ، و کارگاه های تولید آثار هنر و صنایع بود همانند قلعه اختیارالدین که مجموعه کاملی از یک شهر میباشد ، از نمونه های بارزی از معماری این دوره میباشد که هر یک نیازمند مطالعه و تحلیل کاملی را طلب مینماید.

قصر ها مساجد در این دوره بیشتر رو به تجمل گرایده و از ساده گی معماری سامانیان کاسته شد ، دیوار های قصور منقوش با صحنه های طبیعت ، شکار حیوانات ، جنگ شاه با اجانب ، استفاده موتیف های حیوانات و پرنده گان در تزیینات و کندنکاری روی سنگ به صورت برجسته کاری راه پاه باز نمود. مساجد شاهد حکاکی های روی سنگ های مرمر سفید دارای گل و برگ ، ترنج ، دهن ازدها ، تداوم و تکرار طرح های منبر نما ، خطوط پیچ در پیچ که بیشتر در حاشیه ها بکار میرود ، کندنکاری حیوانات به صورت برجسته کاری ، طرح های گل نیلوفر (لوتوس) از دیر زمانی ایست که در آثار هنر و صنایع مستظرفه این سرزمین در تزیینات مورد استفاده داشته است ، این طرح همراه با طرح های بادامچه در کنار هم روی آثار سرامیکی (کلالی) به صورت نقر شده و نیز برجسته کاری برای آثار این دوره مشخصه خاص داده است. نقاشی حیوانات و پرنده گان در آثار سرامیکی (ظروف کلالی لعاب کاری شده) و جک ها ، کوزه ها و سراحی ها بصورت برجسته کاری و قالب زنی و روی سنگ های پیزاره های بنا ها ، قصر ها و مقابر بصورت برجسته کاری حکاکی گردیده است که این شیوه در تاریخ هنر بعد از دوره ساسانیان سابقه نداشت . خط در این دوره بخشی از هنر های زیبا را تشکیل میدهد که کار برد آن در عرصه های مختلف بمشاهده رسیده است.

خط کوفی معقلی و تزینی از انواع خطوط کوفی است که در این دوره دو صد ساله مورد استفاده داشته و از اجزای تزیناتی قصور مجلل، مساجد و منابر مذهبی میباشد. در کنار انواع خط کوفی خطوط ثلث، نسخ و رقاع از هنرهای تزیناتی ابنه های این دوره بشمار میرود، مرحوم شیخ محمد رضا در کتاب ریاض الا لواح که در شش بخش تحریر گردیده از تنوع خطوط متذکره در بناها، مقابر، سنگ های قبور، مساجد و مناره ها که بصورت دقیق در آن تحقیق انجام داده اشاراتی داده که همین چند نوع خطوط را از مشخصه های هنر خوشنویسی این دوره به شمار آورده است. آنچه در آبده ها بصورت وافر بمشاهده رسیده انواع خط کوفی میباشد. مقبره سلطان محمود شاهد بیشترین استفاده خط کوفی میباشد.

کاشی سازی، تراش سنگ و ساخت خشت تزیناتی در این دوره تاریخی از جمله مواد و مصالحی بشمار میرود که بیشترین در آثر بجا مانده مشاهده میگردد. خشت پخته در این دوره نه تنها به حیث مصالح ساختمانی استفاده میگردد بل در تزینات نما نیز به صورت وافر مورد استفاده داشت. معماران و هنرمندان طراح معماری از خشت به دو هدف استفاده مینمودند، یک مصالح اصلی ساختمانی و دوم مصالح تزیناتی. به این معنی که با خشت های که در دیواره ساختمان بکار میرفت، طرح ها و دیزاین های زیبایی اسلامی که بیشترین آنها اشکال هندسی و اشکال خطوط کوفی میباشد، استفاده میگردد. این شیوه کار از یک نگاه صرفه جویی در استعمال مواد بود و از نگاه دیگر برای معمار و طراح ساختمان این فرصت را میداد تا داشته ها و اندوخته های هنر معماری خود را در تزینات ساختمان نیز به نمایش گذارد.

صنعتگران سرامیک در این عصر تولیدات هنری و صنعتی شان را روی د و عنصر از دیدگاه تولید و تقاضای بازار متمرکز میساختند، یکی رفع نیاز های زنده گی اجتماعی مردم که بیشترین تولیدات در این راستا ظروف مورد استفاده روزمره اهالی بود (کاسه های غذا خوری، بشقاب ها، گیلایس های آبخوری، روغن سوز، آفتابه، سراحی، کوزه، خم، مشروب و کندو های ذخیره آرد و برنج و.....) و دیگر برای تزینات قصور شاهان، اراکین دولتی، تحایف شاهان برای مقام خلافت و شاهان که بالواسطه سفر داده میشد. این نوع تولیدات به تناسب تولیدات معمولی که برای رفع مایحتاج مردم عادی تولید میگردد از هر لحاظ متمایز بود. طرح های روی این اشیا و مواد ساخت آن از کیفیت خاصی برخوردار بود. معمولاً در این نوع وسایل طرح های پیچیده به صورت برجسته کاری و ترکیبی از طرح ها با اشکال هندسی و گل برگ بکار میرفت. بیشترین آثار بجا مانده از دوره غزنویان نشانگر آغازین کارهای هنری است که بر اساسات و زیربنا های هنر و معماری دوره سامانیان از دوره اسلامی و قبل از دوره اسلامی بنا یافته است. از مشخصه های بنیادین هنر نقاشی و مینیاتوری این دوره استفاده گل و برگ، خطوط اسلمی پهن، دهن اژدها با برگ ها پهن تر نسبت به دوره های بعدی چون غوریان و تیموریان میباشد. البته دوره تیموران تحول عظیمی در سبک نقاشی و مینیاتوری بوجود آورد که به عنوان یک مکتب هنری یا بهتر خواهد بود تا رنسانس خراسان اطلاق گردد، عرض وجود نمود.

در این دوره ظروف کلالی را از لحاظ اناتومی در طرح های مختلف و نیز از لحاظ مواد ساختمانی متغیر ، میتوان دید . ترکیب هنر خط با صنعت کلالی از بهترین نمونه های مشترکات کار های هنری این دوره میباشد ، تعدادی زیادی از ظروف کلالی از این دوره به یادگار مانده که حاشیه درونی آنرا خطوط زیبایی کوفی مدور و کوفی تزینی و خط ثلث ابتدایی تشکیل داده در حالیکه تعداد زیادی از ظروف این دوره را اشکال هندسی دایره وی ، گراف های درهم و برهم ، اشکال دورانی حلزونی به حیث یک کمر بند معین در دورادور ظرف ، اشکال مخروطی شکل بصورت چپه و راسته و برجسته کاری شده ، کنگوره های پیچیده ، ظروف گلی شبکه کاری شده با اشکال زی بایی هندسی ، گل های چهار برگ با زمینه های نقطه پرداز ، طرح های بادامچه به صورت راسته و چپه ، نقاشی های لعاب کاری شده با صحنه های شکارگاه شاه ، شاه با اسب در حال یورش در طبیعت (که معمولاً این نوع طرح ها نمادی بود از قدرت شاه که از دیر باز در تاریخ هنر کشور ما در نقاشی ها به میراث رسیده است) ، خطوط مارپیچ بصورت برجسته کاری و لعاب کاری ، اشکال ستاره نمای به صورت لعاب کاری و برجسته کاری شده ، طرح های حیوانات تخیلی با بال های در حال پرواز و گره های اسلامی به شکل کمر بند ها در حاشیه ظروف و قسمت زیرین آن ، طرح های با خطوط کوفی قفلی با حاشیه زیبایی تذهیبی ، اشکال برجسته کاری شده خوشه های آویزان انگور روی بدنه بیرونی ظروف (کاسه های که به صورت هشت ضلعی طراحی گردیده است) ، ظروف جک های آبخوری با دسته های مزین به اشکال دورانی و لبه جک که در آن اشکال هندسی پیچیده به مشاهده میرسد ، یک کمر بند از حلقه های کوچک در نقطه ارتباط گلولی جک نیز تعبیه گردیده تا از اشکال برجسته کاری شده بدنه متمایز گردد در قسمت شکم جک اشکال برجسته کاری شده مستطیل نمای عمودی مشاهده میگردد.

جک های آبخوری دسته دار و بدون دسته ساده و برجسته کاری های لعاب دار که اشکال مختلف هندسی حیوانات را در خود دارد.

دانشمندان ، محققین دوره های اسلامی منجمله غزنویان را عقیده بر آنست که در نقاط مختلف خراسان (افغانستان) مراکز تولید آثار سرامیکی بوده که مهمترین آنها بامیان ، بلخ ، هرات ، نیشاپور و غزنی میباشد.

ظروف تولید شده مناطق مرکزی بامیان هر چند از لحاظ ساخت ظروف ، مواد مصرفی و سایز و اندازه ها مشابهت بهم داشته ولی از لحاظ موتیف یا مواد طراحی تفاوت های در آنها محسوس میباشد . لعابکاری های مناطق مرکزی و شمالی بیشترین دارای مشابهت ها در نوع استفاده مواد ساخت (خاک ، اکساید های مس ، آهن ، پودر لاجورد ، اشقار) و طرح ها که بیشتر به صورت لعابکاری و نقاشی اشکال هندسی ، و برجسته کاری بسیار اندک میباشد در حالیکه طرح های برجسته کاری روی ظروف کلالی غزنی و هرات متفاوت بوده و بیشتر به صورت قالبگیری و تاپه طراحی و دیزاین میگردد.

ظروف کلالی مراکز بامیان و بلخ معمولاً فیروزه یی و سبز بوده و تفاوتی که در ترکیب مواد مصرفی مراکز بامیان و غزنی به مشاهده رسیده ، ترک خوردگی های زیر لعاب در ظروف غزنی بوده در حالیکه در ظروف بامیان بسیار اندک دیده شده و بعضاً قابلیت رویت ندارد که این مشخصه احتمالاً در استفاده اشقار باشد.

رنگ که در آثار سرامیکی غزنی از دوره دودمان غزنویان بجا مانده بیشترین آنها دارای رنگ سرخ تیره و مایل به قهوه میباشد در حالیکه در بامیان فیروزه تیره رنگ و سبز با خطوط برجسته کاری دورانی بکار رفته است.

بیشترین ظروف کلالی باز مانده قرون ده الی دوازده از نواحی مربوط نیشاپور دارای رنگ سبز تیره و روشن بوده و دارای طرح های نهایت پیچیده میباشد. در یکی از کاسه های نیشاپوری قرن دهم دیده شده که در داخل کاسه قسمت سکو (تحتانی) آن اشکال مارپیچ دورادور مرکز را احاطه و با کمر بندی از مرحله دوم جدا گردیده است. در مرحله دوم حرکات گل و برگ های که طرح دهن اژدها را ساخته، طرح زیبایی را بوجود آورده که بیننده تلاش میکند متنی نوشتاری دیواره ظرف را به خوانش گیرد، در لبه بیرونی کاسه کنگره های زیبایی را میتوان مشاهده نمود و در این ظرف که یکی از زیباترین ظروف نیشاپور به حساب میرود دو رنگ سفید و سبز تیره مایل به (رنگ ماشی) بکار رفته است. بشقاب های سفید با حاشیه که حاوی طرح زیبایی با خط کوفی میباشد و به رنگ قهوه تیره کار شده است از مشخصه های است که در بسیاری آثار سرامیکی این دوره در غزنه به حیث پایتخت و شهر های دیگر کشور که حیثیت مراکز عمده تجاری و تولیدی را داشت، بمشاهده میرسد.

یکی از کاسه های کلالی که در ارشیف موزیم ملی افغانستان بوده و در اثر سالیان جنگ داخلی با تا سف از بین رفته و جسماً در موزیم موجود نمیشد و تصاویر آن در ارشیف کمپیوتری موزیم ملی افغانستان موجود است، نشانگر طرح جدیدی همچو ابر و باد راه را میباید. این کاسه که به رنگ سفید و طرح زیبایی ابر باد با رنگ سیاه شکسته است از بهترین کاسه های سرامیکی این دوره میباشد. لبه کاسه به رنگ سیاه نقاشی شده و خطوط راه راه عمودی از لبه کاسه الی سکو تحتانی کاسه بدون تناسب از لحاظ فاصله ها، ادامه داشته و در کرسی ظرف نقاطی چند در کنار هم گذاشته شده است. کرسی کاسه به اندازه 6-7 ملی متر ارتفاع داشته و دور آنرا خطوط زیبایی بسیار نازک و ظریف به شکل دورانی احاطه نموده است. این کاسه از کاسه های دوره غزنویان میباشد که دارای فورم متناسب، رنگ زیبا و اندازه دهنه کاسه با اندازه کرسی تحتانی کاسه از تناسب نهایت هنرمندانه برخوردار میباشد.

در کوزه های که منحنی زخیره آب مورد استفاده قرار میگرفت بیشتر اشکال هندسی به صورت متناظر و تکراری و از لحاظ فاصله بسیار نزدیک به هم، خطوط مارپیچ یک خطه و دو خطه در بین خطوط حلقوی و کمر بند کوزه که معمولاً از گردن کوزه ها شروع میگردید الی وسط کوزه (شکم کوزه) ادامه داشت، طرح های زیبایی بادامچه بصورت بالا به پایین و پایین به بالا که تعدادی به صورت رنگ امیزی و گاهی به صورت تاپه کار شده است.

گل های لوتوس یا نیلوفر از گل های میباشد که اشکال آن در آثار نقاشی، کندنکاری روی سنگ، نقاشی و تاپه روی آثار سرامیکی و گچبری های دوره های قبل از اسلام و بعد از اسلام در این سرزمین توسط دستان هنرمندان نقش میگردید که در دوره غزنویان نیز در آثار سرامیکی مخصوصاً کوزه های آبخوری به شکل شش گل کندنکاری و گاهی نقاشی و گهگاهی به صورت تاپه بکار رفته است. این گل (نیلوفر) از جمله طرح های زیبایی است که در آثار قبل از اسلام بسیار زیاد مشاهده میرسد، بعضی از دانشمندان را عقیده بر آنست که گل لوتوس یا نیلوفر از گل های مذهبی بوده مخصوصاً در دوره های که افغانستان دارای دیانت بودایی برهنی بوده مورد استفاده هنرمندان و صنعتگران قرار داشت. بعد از اسلام اهمیت این گل از بین نرفته بل کاربرد آن در آثار مختلف هنری و صنایع نسبت به گذشته زیاده تر و چشمگیرتر گردیده است.

اندازه ها در آن نثار سرامیکی این دوره از تناسب عالی برخوردار میباشد ، معمولاً لبه کوزه الی قسمت تحتانی گردن آن نیم برابر ارتفاع شکم کوزه میباشد به این معنی که هرگاه ارتفاع کلی کوزه 6 سانتی متر باشد 2 سانتی متر آن گردن کوزه و مابقی 4 سانتی متر بدنه میباشد و عرض کوزه را حدوداً 4.5 الی 5 سانتی متر تشکیل میدهد. یکی از کوزه های گردن بلند موزیم ملی افغانستان نیز از آثار این دوره میباشد که دارای تناسب مساویانه گردن و بدنه کوزه میباشد . در این کوزه در قسمت شکم خود طرح زیبایی خطوط مارپیچی دارد که به عمق 5 میلی متر بوده شکم کوزه از مرکز به دو قسمت تقسیم گردیده و یک طرح مارپیچ در قسمت بالایی و یک طرح مارپیچ در قسمت پایین به مشاهده میرسد در حالیکه گردن الی دهنه کوزه به سه قسمت تقسیم گردیده قسمت وسطی دارای طرح زیبایی که در اثر خطوط موجی به میان آمده است . دسته کوزه در بالا در قسمت طرح خطوط موجی اتصال داشته و همچنان در پایین در قسمت خطوط مارپیچ بالایی اتصال دارد . در این کوزه سه نوع کار هنری برای زیبایی و دیکوریشن اثر توسط هنرمند بکار رفته است . کندنکاری خطوط مارپیچ به صورت برجسته ، کندنکاری خطوط موجی عمیق با نوک کارتک سرامیک کاران و کندنکاری خطوط دایروی که در لبه و کمر کوزه بکار رفته است. در تعدادی از کوزه های این دوره مخصوصاً مکشوفه غزنی مشد خصه رنگ کاری تولیدات سرامیکی (کلالی) به مشاهده رسیده است . این نوع کار که میتوان آنرا از مشخصه های اساسی هنر سرامیک این دوره یاد کرد ، در بیشترین آثار بجامانده مشاهده میگردد. در این نوع کار که نسبتاً ساده تر میباشد ، هنرمند کلال بعد از ساختن کوزه ، کاسه ، آبخوره ، مشروبه ، صراحی و ده ها نوع دیگر ظروف ، با برس مخصوص که دست ساخته خود هنرمند میباشد ، طرح های بسیار زیبای محلی که معمولاً شامل گل و برگ ها ، گل های لوتوس ، طرح حیوانات تخیلی و اشکال هندسی میباشد ، به روی ظرف ساخته شده و نیز بعد از پخت انتقال میگردد . رنگ های مروجه در این دوره رنگ های سرخ تیره ، سفید مایل به کریمی و سیاه کمرنگ میباشد. این نوع تولیدات هنرمندان کلال بیشترین برای مصرف عامه جامعه میبود در حالیکه برای اراکین دولتی ، سرمایه داران و خاندان شاهی به مراتب بهتر و معمولاً لعاب کاری میگردد. طرح های زیبایی با حرکات موجی از زیبایی خاص برخوردار بود . آنچه به عنوان تفاوت طرح ها و ظرافت های کاری هنرمندان این دوره با دوره های بعدی در تاریخ هنر افغانستان مورد تدقیق و ارزیابی قرار گرفته است ، پهن بودن گلبرگ ها ، عدم توازن در حرکت های خطوط ، عدم تناسب در سایز های دایره ها مثلث ها و گل ها و معمولاً استفاده برس های پهن بوده در حالیکه در دوره های بعدی این حرکات ظریف فتر گردیده و تناسب ها و اندازه ها متناسب تر گردیده است. در تعدادی از آثار مکشوفه کلالی این دوره ساده گی ظروف نیز به مشاهده میرسد ، این نوع آثار از آثاریست که بعد از ساخت ظرف با تاپه های سنگی دارای طرح های زیبایی مروجه در زمانی که اثر در حال نم دار میبود ، تاپه کاری شده و با نوک کارتک روی بدنه ظروف اشکال که معمولاً هندسی میبود انتقال میگردد و بعد از یک دوره آتش دهی ظروف آماده استفاده مردم عادی میگردد. ظروف آبخوره ها و کوزه های حفاظتی آب ، با خطوط ثلث ، نسخ و کوفی به صورت برجسته کاری و در تعدادی از آثار با استفاده از کارتک ، طراحی گردیده است . این نوع ظروف معمولاً با طرح های خطوط عمودی در پایین کمربندی که خط قرار دارد موقعیت اخذ نموده است . ثلث و نسخ در نهایت ساده گی و زیبایی در این دوره بکار رفته ولی خط کوفی مورد استفاده بیشتر داشته و نوع کوفی تزینی در بیشترین آثار نثار بجا مانده از این دوره ب مشاهده میرسد . طرح بادامچه معکوس بصورت مکرر و متصل به هم ، بادامچه های راسته و معکوس در کنار هم ، بادامچه های مزین با طرح های زیبا در داخل خود نیز از موتیف یا محتویات فکری هنرمندان این دوره بود که در تعدادی زیادی از آثار سرامیکی و کلالی به مشاهده رسیده است. در تعدادی اندک و انگشت شمار آثار سرامیکی باقیمانده از این دوره که بصورت لعابکاری میباشد ، طرح های شاه اسپ سوار ، طبیعت وحشی ، صحنه های جنگ که گفته شده تمثیلی از پیروزی های شاهان غزنوی میباشد با کمربندی از خط کوفی مدور و تزینی و خط ثلث در داخل ظروف

(کاسه) و خطوط اسلمی با دهن اژده ها و گل برگ ها در سطح بیرونی کاسه ها ، به نظر میرسد. سکوی تحتانی ظروف را با اشکال تذهیبی و گل و برگ ها با خطوط اسلمی مزین ساختند . یکی از ظروف بسیار زیبای این دوره که آ بخوره یا مشروب به بزرگی است ، داخل ظرف را لعاب یک رنگ بدون تزئینات تشکیل داده و سطح بیرونی این ظرف را که در سه مرحله تقسیم گردید قرار زیر طراحی نموده اند . رنگ زمینه این ظرف سفید مایل به فولادی بوده که روی آن از رنگ سیاه کار گرفته شده است ، لبه بالایی ظرف خط ثلث به رنگ سفید (که همانا رنگ زمینه اصلی ظرف میباشد) و زمینه سیاه کار شده و مراحل بعدی نیز با زمینه سیاه و خط کوفی معقلی و مرحله سوم اشکال دایروی را روی هم طراحی نموده . زیبایی و هنر کلال در این اثر بیشتر ترکیب و هماهنگی خطوط است که به رنگ زمینه میباشد و نیز تذهیب خطوط کوفی و ثلث با رنگ سیاه و خطوط اسلمی با رنگ زمینه است. دستة این کاسه نهایت موزن بوده که به رنگ سیاه میباشد که ارتفاع و عرض ظرف از توازن خاص برخوردار است (ارتفاع تقریبی 25 سانتی و عرض 27.5 سانتی متر میباشد).

هنر این دوره را میتوان در دو عرصه مورد پژوهش و تحقیق قرار داد .

هنر معماری

معماری دوره غزنویان که بر اساسات هنر معماری سامانی بنا یافته است تحولاتی را در خود بوجود آورد که بیشترین متاثر شده از محیط هنری غزنی و شکوه و تجمل گرایی شاهان این دوره که در اثر پیروزی های شاهان غزنوی در غزوات سرزمین هندوستان بدست می آمد ، میباشد . شاهان غزنوی مخصوصاً سلطان محمود و پسرش مسعود در هر بار حمله در خاک هند معابد را تخریب و زیورات و جواهرات غنیمتی را به غزنه پایتخت خراسان می آوردند و فیصدی زیادی از این غنایم در آ بادانی شهر و انکشاف متوازن عرصه های زندگی اجتماعی به مصرف میرسید . گفته شده که در یکی از غزوات معبد سومنات تخریب و غنایم زیادی بدست آمده و قسمت زیاد آنرا در آبادانی شهر غزنی مخصوصاً مسجد بزرگی به مصرف رسانیده اند ، در اعمار این مسجد شخص سلطان محمود نقش نهایت بارز داشت وی از سران امور و سران اقوام تقاضای اعانه برای مسجد نمود و خود پیش قدم گردید. این نوع جمع اوری منابع مالی برای ساخت مراکز عام المنفعه به کرار در دودمان غزنویان به مشاهده رسیده است.

آ بدات زیادی را تاریخ در لابلای اوراق خود برای عصر ما در قید قلم آورده که اعمار آن مربوط به دوره غزنویان (قرن 10 الی 12 م) میباشد ، تعدادی از آنها در قید حیات باقی مانده و تعدادی زیادی از آنها در اثر حوادث متوالی (حوادث طبیعی و سیاسی) که در غزنه بوقوع پیوسته از صحنه هستی منهدم گردیده. موجودیت این بنا ها در افغانستان ، بخشی در هندوستان و نیز در شهر های شرقی ایران ثبت گردیده است که تخریب گردیده که گذر زمان نیز در حفظ آن موفق نگردیده است . غزنی به حیث پایتخت این دودمان هنوز تعدادی از آثار معماری را در خود حفظ دارد که مهمترین آنها مقبره سلطان محمود غزنوی ، قصر مسعود سوم (قصر شاهی غزنویان) ، مقبره الغ بیک (عبدالرزاق) بالاحصار و مناره های غزنی و تعدادی از ابنیه ها دیگر میباشد . سلطان محمود و پسرش مسعود از جمله شاهانی است که تاریخ افغانستان صفحات خاصی برای آنها اختصاص داده است . این دو شاه که به تجمل علاقه زیاد داشت ، در ساخت بنا ها ، باغ ها ، کاروان سراها و کوشک های با شکوه دست می یازیدند که شهر غزنی بزرگترین شاهد این است.

بالاحصار غزنی : این بنا که دیروز در غزنی به حیث قلعه شاهی مورد استفاده داشت در دوره حاکمیت غزنویان نیز دستخوش تغییرات شده است هر چند در کتب تاریخی از آبادانی شاهان غزنوی در بالاحصار چیزی تذکار بعمل نیامده و یا حد اقل تا اکنون چنین سندی به دسترس محققین عرصه تاریخ قرار نگرفته است ، بل به دلیل مشخصه شاهان غزنوی در ارتباط به معماری ، چنین حدیثیات وجود دارد که در این دوره تحولاتی نیز در معماری این بنای تاریخی آمده باشد .

این آبدۀ تاریخی که ظاهراً روی پشته های مصنوعی قرار دارد دارای دیواره به ارتفاع 10 متر بوده که مواد ساختمانی آن از گل پخسه (مواد ترکیبی خاک و گاه) ، سنگ و خشت های خام که روی تهادی از سنگ بنا یافته ، میباشد . دیواره حصار تعداد بیست عدد برج را در دوردور قلعه در خود دارد . تعدادی زیادی درب ها داشته و درب های بزرگ و اصلی برای ورود و خروج شاهان و نظامیان در اطراف خود تعداد دو عدد برج به حیث ترصدگاه داشت ، این درب ها چوبی و سنگی بوده و قسمت های از آنها دارای تزییناتی از فلزات به شکل گل میخ ها و کمر بند های فلزی مرحله یی بود . در معماری دیوار های قلعه تنوع هنر معماری که متأثر شده از ادوار گذشته تاریخ است ، را به وضاحت مشاهده میتوان نمود ، روی دیوار ها کنگره های به مشاهده میرسید که قسماً شباهت به هنر معماری ساسانی و کوشانو ساسانی دارد . برج ها حدود تقریبی 5 متر از روی زمین سنگ کاری شده تا وزن عظیم بدنه برج ها را نگهدارد ، معمولاً داخل برج ها به شکل اتاقی تعبیه میگردد تا مترصدین به ساده گی توان تحرک های نظامی را داشته باشند . در اطراف برج ها خندق های مصنوعی بزرگی در نظر گرفته شده بود تا از حملات احتمالی جلوگیری بعمل آمده باشد عمق خندق در نقاط مختلف ، تفاوت داشته و بین 5 الی 8 متر احتمال داده میشود . کتب تاریخی در مورد تخریبات که در گذر زمان در این قلعه بوجود آمده اشاراتی نداشته بل عدم وارثی از این بنا باعث شده اندک قسمت های دیوار های بجا مانده عظمت تاریخی آنرا بازگو نماید . در آخر رین باریکه بخش های از این بنا تخریب گردید ، جنگ اول افغان و انگلیس میباشد که در حوالی سال های 1839 الی 1842 میلادی میباشد در این زمان یکی از دروازه های این قلعه توسط متجاوزین بریتانوی به آتش کشیده شده . در آتش سوزی سایر قسمت ها منجمله برج های اطراف درب نیز خسارات زیادی دید . و یکبار دیگر در اوایل سال 1392 شمسی در اثر بارش های بهاری و عدم واریسی مسولین فرهنگی ولایت غزنی قسمتی از دیوار واژگون گردید .

مقبره الغ بیگ: این بنا که از سبک معماری منحصر به فرد برخوردار میباشد یکی از بنا های تاریخی شهر غزنی بوده که در قرون بعد از دوره غزنویان اعمار گردیده ، هر چند سبک معماری آن سبک تیموری است ولیک متأثر شده از هنر تجملی غزنوی میباشد . دودمان تیمور بعد از رسیدن به صحنه سیاسی و فرهنگی افغانستان سبک جدیدی در هنر بوجود آوردند که عرصه های مختلف را احتوا میکرد . معماری نیز یکی از بخش های هنر این دوره بود ، این بنا در عصر تیموریان به منظور تدفین الغ بیگ که یکی از شاهان غزنی و کابل بود ، بنا یافته .

این ساختمان ساخته شده از خشت پخته بوده که مصالح آن ساروج که ماده ترکیبی از آهک ، ریگ سرمه و خاکستر است ، میباشد.

در این آبدۀ چهار عدد پیش تاق ورودی ساده و برجسته کاری با خشت (احتمالاً این بخش ساختمان در گذشته دارای موزاییک کاری یا گچبری مزین با رنگ های سنتی بوده باشد) ، چهار برج مدور در کناره های ساختمان و یک گنبد مرکزی و یک راه رو در دورا دور سالون مرکزی از ترکیبای معماری میباشد که سبک معماری آنرا برمیگرداند به سبک معماری تیموریان .

این بنا که به هدف مقبره الغ بیگ اعمار گردیده بود ، وی را در کنار مقبره تیمور لنگ در سمرقند تدفین نمودند ، و بنا برای تدفین پسر الغ بیگ استفاده گردید . آنچه در معماری این بنا از اهمیت خاص برخوردار است فضا هایست که در کنار پیش تاق ها که بحیث سالون های ورودی و پذیرایی تمثیل میگردد ، فضا ها در کنج های بنا در مقابل برج های مدور میباشد که به دو طرف به سمت ورودی های پذیرایی اتصال دارد .

در این بنا خشت به مثابه ماده اصلی در ساخت و نما بکار رفته که در پیش تاق ها به صورت برجسته کاری و اشکال هندسی تزئین گردیده است.

مقبره سلطان محمود غزنوی : این بنا که به احتمال زیاد بعد از حکومت مسعود سوم اعمار گردیده یکی از بنا های تاریخی شخصی است که چهره درخشان در حکومت دودمان غزنویان داشته . سنگ اصلی مقبره که توسط پسرش مسعود سوم ساخته شده از جنس مرمر بوده و دارای کتیبه های با خطوط مروج در دوره غزنویان(کوفی و رقعه) که با حکاکی برجسته کاری مزین بوده . دروازه مقبره از جمله اشیای غنیمتی است که در اثر فتوحات قشون غزنویان در هند ، به غزنه آورده و به حیث دروازه مقبره نصب گردید ه است ، به نقل از کتاب ریاض الالواح دروازه مقبره سلطان محمود در هجوم قشون بریتانیا به هندوستان انتقال گردید . مقبره که در باغ فیروزی موقعیت دارد از محلاتی در شرق شهر غزنی است که سلطان محمود آنرا میپسندید و طبق وصیت وی ، جسد آن در این باغ که در قریه روضه موقعیت دارد تدفین گردیده است . مقبره یک بنا گنبدی است که در دیواره بیرونی آن اشکال هندسی تاق نما ها به صورت برجسته کاری تزئینات گردیده است. دروازه آن در تحت پیش تاقی تعبیه گردیده است و دارای آهن پوش میباشد . هنرمندان سنگ تراش غزنی در این آبداه از خلاقیت های منحصربه فرد که متأثر شده از محیط هنرپرور غزنی منشأ گرفته حکاکی های بجا گذاشته اند که بعد از سپری شدن قرون متمادی هنوز از زیبایی خاصی برخوردار میباشد . در این مقبره که دارای چهار محراب حکاکی شده است بیشترین خط کوفی با تزئینات زیبای خطوط اسلمی و برگ ها بوده آیه های قران مجید به صورت عمودی و افقی و تاق نما در خطوط کوفی و یکبار رقعه حکاکی گردیده است. محراب های سنگی دارای تاق های منقوش در مرکز و حاشیه ها بوده که بهترین نمونه های هنر حکاکی روی سنگ این دوره میباشد.

در این دوره محراب ها دو عدد ستون پایه ها حکاکی شده بوده در حالیکه در یکی دو دهه بعد محراب ها دارای چهار عدد ستون پایه گردیده که بر زیبایی محراب ها افزوده و به عنوان مشخصه هنر در تزئینات سنگ رو نما گردیده است.

مناره های مسعود سوم و بهرام شاه : این مناره ها که در فاصله تقریبی 500 متری از هم قرار دارند ، نمادی از قدرت و عظمت ، شکوه و جلال ، فتح و توسعه سرزمین خراسان ، آبادانی و معماری منحصر به فرد امپراتوری غزنویان بوده و دارای زیبایی های خاص است که چشم هنرمندان ، هنرشناسان ، زیبایی شناسان ، محققین عرصه تاریخ هنر کشور و بازدیدکننده گان داخلی و خارجی را به خود خیره نموده است . گفته شده که این بنا ها که به یادبود پیروزی های مسعود و بهرام اعمار گردیده بنام تاق های ظفر نیز یاد گردیده است. مناره های مسعود و بهرام (که احتمالاً مناره مسعود زودتر از مناره بهرام بنا یافته باشد) دارای پایه های به پهنای هشت متری بوده و ساخته شده از خشت پخته میباشد و مشخصه های در خود دارد که در سایر مناره های دوره های قبل از غزنویان و بعد از آن ، دیده نشده است.

ستاره بودن منارها ، بنای تاریخی مناره های مسعود و بهرام دارای پایه های به پهنای هشت متری بوه که به شکل ستاره هشت ضلعی طراحی گردیده است که از پایین به بالا کوچکتر میگردد . همخوانی اضلاع بیرونی و درونی ستاره ها با هم و در مراحل مختلفه که در این بنا دیده میشود از زیبایی خاصی برخوردار بوده و به منارها مشخصه مختص به خودش میدهد که در سایر منارها در نقاط مختلف دیده نشده است .

خشت به مثابه ماده اصلی مناره ها ، در این بنای تاریخی خشت پخته دارای دو خصوصیت میباشد که یکی استفاده در ساخت مناره ها و دومی استفاده از خشت در کنار ماده اصلی ساختمانی ، از آن در تزیینات بکار رفته است . خشت های مصرفی در مناره ها بنا بر موارد استفاده متفاوت میباشد ، خشت های مصرفی در بدنه مناره ها دارای یک اندازه بوده در حالیکه خشت های که در تزئینات به مصرف رسیده دارای اندازه و سایزهای متفاوت میباشد . این مشخصه که از مشخصه هنر معماری این دوره میباشد در این بنا با نهایت ظرافت هنری و زیبایی خاص بکار رفته که با تغییر در قطب منار و مسجد سنگی آن که در دوره غوریان در دهلی اعمار گردیده مشاهده میگردد و در سایر مناره ها و آبدات تاریخی دوره غزنویان و بعد از آن تا اکنون مشاهده نگردیده است .

طراحی تزییناتی مناره ها ، این دو مناره نقل از کتاب غزنی شهر کشور گشایان ، دانشمندان و بنا های تاریخی که به حیث بهترین مناره های تاریخی تزیین شده با خشت میباشد تنها مناره هایست در افغانستان که زیبا ترین تزیینات را در آن میتوان مشاهده نمود . برجسته کاری های تزییناتی در قاب های هشت ضلعی ، خط کوفی که آیه های قرآن مجید و اسامی و القاب سلطان مسعود و پسرش بهرام را بکار برده ، تزئینات روی کناره های هشت ضلعی ، قاب های مربع شکل که در تعدادی از آنها خشت ها بصورت عمودی و افقی در کنار هم بکار رفته که در نهایت طرح زیبایی را در داخل قاب به تصویر داده است و در تعدادی از قاب ها که تقسیم به چند قسمت گردیده سازنده طرح های زیبایی از خط کوفی تزیینی و تذهیب آن ، استفاده اشکال هندسی و اشکال پیچیده که بصورت تزئینات اطراف خطوط کوفی بکار رفته است ، گل و برگ که معمولاً در تذهیب آثار هنری خطی به مشاهده رسیده و در این آبده ها در قسمت بالایی منار موجود میباشد .

قصر شاهی غزنویان : این قصر که در قرن 12 میلادی اعمار گردیده و بنام قصر مسعود سوم نیز مسمی است و به احتمال زیاد بار اول در زمان حملات سلطان علاوالدین غوری به آتش کشیده شده و در بار دوم در اثر حمله چنگیزیان و در بار سوم در حملات قشون بریتانوی و نهایتاً در سالهای جنگ های داخلی (بعد از 1980) از بین رفته و احتمال شناخت مشخصه های معماری آنرا کمتر ساخته است . قصر مسعود سوم که به صورت مستطیل شکل اعمار گردیده در دوره حکومت سلطان مسعود و پسرش بهرام از شکوه و زیبایی خاص برخوردار بوده نشانگر زندگی مردم و سبک معماری شهری و شاهی این دوره به شمار میرود . تهداب های مکشوفه در اثر حفاریات انجام شده باستانی ، نشانگر موجودیت تعداد زیاد دکانین در بخشی از قلعه ، ایوان بزرگی به نام ایوان عظیم در وسط ، مسجدی در کنار حویلی قصر که حکاکای های برجسته روی سنگ مرمر و تصویر حیوانات و کتیبه های به خط کوفی و نسخ و دروازه های در اطرافت قصر ، میباشد .

مسجد عروس الفلک (جامع غزنین): به نقل از کتاب وضع اجتماعی غزنویان نوشته محمد اکبر مددی که از کتاب بیهقی نقل قول نموده ، این مسجد بنام مدرسه بوصالح نیز یاد گردیده است .

سلطان محمود بعد از فتح معبد هندی با غنای زیادی به وطن برگشت که تمامی آنرا در آبادانی شهر غزنه به مصرف رسانید ، سلطان در کنار غنایم تعدادی زیادی از مواد و مصالح ساختمانی و درخت ها را نیز از معبد توسط فیل های جنگی به غزنه آورده و در اعمار این بنای تاریخی و شکوهمند و سرسبزی حیات آن به مصرف رسانید . مسجد که در کنارش کتابخانه عظیمی اعمار گردیده بود ، بهترین مرجع تحقیق دانشمندان عصر به شمار میرفت .

تعریفات و نقل قول های سیاحین و مورخین عصر غزنویان از عظمت و شکوهمندی این بنا ، نشانگر داشتن مشخصات منحصر به فرد روزگار میباشد . این بنا که در حال حاضر یگانه دیوار احاطوی ، کف فرش مرمرین و بخشی از محراب آن بجا مانده گویای جامعی از شکوه و جلال آن بوده که در تدقیق تاریخ هنر این دوره از جایگاه خاص برخوردار میباشد . حوادث بعدی سیاسی و طبیعی متأسفانه از این آبدیه که دارای مشخصه های هنر معماری قرون ده الی دوازده میلادی کشور بود ، جز کف و دیوار چیزی بجا نمانده است . گفته شده که در این بنای با شکوه مواد ساختمانی محلی با معماری سنتی به مصرف رسیده و دارای قندیل مطلا ، سنگ های مرمر و رخام در کف و لاجورد در پیزاره دیوار ها و ستون پایه ها ، گنبد رفیع آن مزین با خطوط مروج این دوره (ثلث ، رقع ، نسخ و کوفی) بوده . استاد خلیلی آورده است که بیش از سه هزار نمازگزار در این مسجد به عبادت میپرداخت و در نزدیکی آن محلی برای عبادت خود نیز عمارتی اعمار و مسیر راه را پوشانیده بود .

قلعه بست : این قلعه که از دیرباز در تاریخ کشور ما جایگاه با ارزشی دارد و از محلات بازمانده از ادوار قبل از اسلام میباشد ، در دوره با اعظمت غزنویان از اهمیت ویژه برخوردار بود . قلعه بست که در چند کیلومتری لشکرگاه مرکز ولایت هلمند موقعیت دارد روزگاری پایتخت زمستانی شاهان غزنوی بود . قلعه بست یکی از قلاع تاریخی ساخته شده از گل خام بوده که تاق بست با دروازه آن از خشت پخته اعمار گردیده و دارای تزئینات نهایت زیبا بود ، آمده است که این تزئینات و کاشی کاری در دوره دودمان غزنویان ساخته شده که متأسفانه در حمله علاوالدین سوخت و یکبار دیگر در حمله چنگیز آتش کشده شده و نهایتاً در در حمله تیمور به دلیل قطع شدن آب از قلعه ، زنده گی را در آن محو کرد . تزئینات این تاق که به صورت برجسته کاری بوده توسط اشکال هندسی شکل داده شده که یکی از آثار ماندگار این دودمان میباشد . منهای سراج آورده که مانند این شهر در افلاک نبوده و در تخریب آن نیز آورده که علاوالدین بعد از به آتش کشیدن غزنه ، شهر بست را نیز از بین برد . این قلعه دارای یک دیوار احاطوی بوده و منازل رهایی در داخل قلعه متصل به دیواره احاطوی که ساخته شده از سنگ ساختمانی کوهی و گل پخسه بود ، میباشد . ارتفاع دیواره قلعه الی شش متر میرسیده و گفته شده که اسب سواران و گاری ها روی آن به سادگی میتوانستند حرکت نمایند . این قلعه که دارای یک درب ورودی بوده و درب دارای تاقی بود عظیم ، عده از دانشمندان را عقیده بر آنست که بزرگترین تاق دنیا میباشد . این تاق الی سالیان 1960 میلادی پابرجا بوده و سالیانه تعدادی زیادی از جهانگردان را بخود میکشاند هم اکنون بیشترین قسمت های آن تخریب گردیده و نیاز مند بازسازی عمیق میباشد .

هنر های مستظرفه و صنایع

انواعی از هنر های مستظرفه روی آثار زرگری ، کلالی یا سرامیک ، لوازم خانگی (فلزات) ، مدال ها ، شیشه ، سنگ و سکه دوره غزنویان مخصوصاً آثار زرگری روی آثار نقره و طلایی به اندازه زیاد استفاده گردیده که نمونه های آن در موزیم های معتبر دنیا موجود میباشد ، موزیم ملی کابل ، موزیم هنر های اسلامی قطر موزیم لوور فرانسه و ده ها موزیم دیگر شاهد آثار سواتکاری رواله و ملیله کاری در هنر های زرگری دوره اسلامی مخصصاً غزنویان میباشد.

سواتکاری بخشی از هنر های مستظرفه زرگری این دوره میباشد ، هرچند سوات کاری در آثار زرگری دوره سامانیان ، سلجوقیان و غوریان نیز مشاهده گردیده بل در دوره دو قرنه غزنویان بشتترینه انکشافات را در این عرصه مشاهده میتوان کرد. در سوات کاری ابتدا مواد سواتکاری تهیه میگردد که ترکیبی از نقره ، مس ، سرب و مواد خام گوگرد میباشد . فورمول که در ترکیب مواد متذکره مورد استعمال قرار میگرفت عبارت از 10گرم نقره ، 40 گرام مس ، 80 گرام سرب و مواد خام گوگرد به اندازه ضرورت بوده که بعد از ترکیب کامل در یک ظرف انداخته روی آتش قرار میگرفت . از گداختن مواد متذکره مواد سواتکاری بدست می آمد . سواتکاری در این دوره بشتر روی آثار زرگری نقره و سرب آهنی استفاده میگردد . طرز استفاده آن چنین میباشد که ابتدا اثر نقره (انگشتر، کره) به صورت محدب گردانیده و روی آن طرح ها کندکنکاری میگردد و بعداً مواد سواتکاری روی آن ریخته و ذریعه آتش روی طرح هموار میگردد . بعد از شکل گیری طرح و سرد شدن اثر ذریعه سوهان و ریگمال پالش میگردد که این نوع کار سواتکاری هنوز در بین هنرمندان هنر ظریفه زرگری موجود میباشد.

ملیله کاری نیز بخشی از مهارت های هنرمندان سکتور زرگری دوره متمدن غزنویان میباشد که نیاز به تعمق و تدقیق دارد . این نوع هنر مستظرفه که در آثار هنر زرگری ترکمن ، هراتی ، کوچی ، سلجوقی و غزنوی کاربرد داشت بخشی از مهارت های ظریفانه است که در دوره غزنویان به اوج مهارت رسیده و هنرمندان زرگر در آن تازی چون کره های دو و یا سه منزله ، انگشتر ، گوشواره ، ماتیکه و گردنبند ها بکار میبردند که زیبایی منحصر به فرد آثار این دوره محسوب میگردد . تبدیل کردن قطعات نقره به سیم های بسیار نازک و تاب دادن آن بدور خود و انتقال آن روی آثار (انگشتر ، کره و) طرح های زیبایی ملیله شکل میگیرد.

در یکی از کره های طلایی دوره غزنویان که در موزیم هنر های اسلامی شهر دوحه کشور قطر حفاظت میگردد هنر رواله را در آن می بینیم . این نوع هنر از هنر های زیبای دوره اسلامی مخصوصاً دوره غزنویان میباشد ، رواله که بصورت برجسته کاری قطعات کوچک فلز (به اندازه های یک و یا یک و نیم میلی متر) توسط نقره روی اثر لحیم میگردد که به صورت نقاط که کنار هم گذاشته شده باشد ، سطح اثر را میپوشاند . این مهارت هنر که شباهت به هنر نقطه پرداز در هنر مینیاتوری را دارد از هنر های میباشد که در دوره غزنویان به اوج قوت و مهارت رسیده و از زیبایی خاصی برخوردار میباشد . این کره دارای دوره میباشد که نقاط اتصالی آن به طرح رواله روی گل های چهار برگه ، کوچک بوده و در دور دست هجیم تر میگردد از جمله آثار نهایت زیبای است که در موزیم متذکره به نمایش گذاشته شده است.

اثار زرگری طلایی و نقره این دوره آنچه در موزیم ها نگهداشت میگردد از آثار منحصر به فرد این دوره به شمار میرود و ترکیبی از خط، مینیاتوری، اشکال هندسی مهارت هنرمندانه زرگران بوده که آثار ماندگار را خلق نموده اند. در یک اثر (بازوبند و نیز گردن بن) که پوش قرانکریم میباشد، ترکیبی زیبایی از خط کوفی، اشکال گل و برگ مینیاتوری با حاشیه زیبایی از خطوط و اشکال هندسی به نظر میرسد که در یک شکل مستطیلی که در یک ضلع آن حلقه سه گانه اویزه قرار دارد ترکیب هنرمندانه را میتوان مشاهده نمود. خط کوفی که یکی از خطوط اولیه اسلامی بوده و در کوفه عراق به میان آمده و نیز از انواع خط هنر معماری میباشد که در مساجد و ابدات مذهبی در تزیینات مورد استفاده داشت که در دوره غزنویان این خط را در آثار متنوعی چون زرگری، سنگتراشی، کاشی و سرامیک و ده ها موارد دیگر به صورت برجسته کاری و نقر شده استعمال نموده اند.

این دوره که تجمل گرایی از مشخصه شاهان آن میباشد در تمامی عرصه های هنری و صنعتی مشهود است، ساخت تخت مرصع نشان مسعود از بزرگترین نمونه های تجمل گرایی میباشد. موزیم ها و کلکسیونر های آثار عتیقه در شهر های مختلف چون کابل، دوحه، واشنگتن، کویپنهاگن، پاریس و کویت شاهد نمونه های از آثار اینچینی در ابعاد متفاوت است. یکی از شمعدان های بی نهایت زیبای این دوره در موزیم دوحه مهارت و زیبایی شناسی صنعتکاران این دوره را تمثیل مینماید. این شمعدان که دارای ارتفاع 35.5 سانتی متر و قطر دایروی 43.5 سانتی متر میباشد به صورت برجسته کاری توسط چکش انجام شده دارای اشکال هندسی شش ضلعی که در داخل آن تصاویر زیبایی از حیوانات بالدار، حیوانات تخیلی، تصویر انسان های نشسته، اشکال هندسی گل و برگ را دارا میباشد از شهکار های هنری این دوره بشمار میرود. شمعدان که دارای گردن نازک چسبیده به بدنه مخروطی شکل میباشد دارای حاشیه زیبایی ترکیبی گل و برگ و خطوط موازی بوده که از ورق های برنجی ساخته شده است. مهارت های که در این اثر بکار رفته هر کدام دارای تعمق و تدقیق بیشتر بوده با استفاده از چکش زنی در عقب ورق برنجی طرح های مورد نظر هنرمند را برجسته و حلقه های دورانی آنرا پهن تر ساخته تا تصاویر به زیبایی خاص و به صورت برجسته کاری نمایش گردد این مهارت به صورت تکراری انجام گردیده است.

شمع دانی، فتیله سوز، سیخک موی، میل چوب فلزی برای سرمه چشم، پطنوس های زینتی مستطیلی با اشکال زیبایی گل و برگ در حاشیه و حیوانات در مرکز، پطنوس های دایروی با تزیینات خطوط صغرا که نوعی از خطوط اسلامی میباشد و بشکل بسیار در هم و برهم در فضای پطنوس انجام گردیده، سراحی های سواتکاری با طلا کوب و نقره کوب، آبنوش های برنجی ملمع کاری شده، حیوانات و پرنده گان تزیینی شبکه کاری شده از آتاریست که به کرات در موزیم ها بخصوص در موزیم ملی افغانستان بمشاهده رسیده است.

گفته میشود که در تاریخ هنر دوره غزنویان، نفوذ هنر ساسانیان مشهود است. تصاویر انسان، حیوانات بالدار، حیوانات تخیلی، گل های لوتوس با برگ های پهن به صورت برجسته کاری با استفاده از چکش و تاپه در آثار برنجی، مفرغ، نقره و طلایی، سنگ، شیشه، سرامیک احتمالاً چوب (متاسفانه آثار چوب از این دوره به دلیل حوادث سیاسی و طبیعی حد اقل تا اکنون بجا نمانده است)، رواله، ملیله و سواتکاری یا بصورت نقره کوب و یا طلا کوب و شبکه کار در برنج و مفرغ و استفاده رنگ های زرد تیره، سرخ تیره، کریمی، سبز تیره، فیروزه در آثار خطی، کلالی هفت قلم به صورت وافر مورد استفاده قرار داشته که به مشخصه هنر این دوره معروف میباشد. محققین تاریخ هنر را بر آنست که هنر و صنایع دوره غزنویان تداوم و بازنگری هنر دوره ساسانیان بوده با محتویات و مفاهیم اسلامی که بیشتر در آنها نفوذ هندسه به عنوان علم جدید مشهود و قابل لمس میباشد.

سکه های شاهان غزنوی

تحقیق روی مسکوکات شاهان دودمان غزنوی نیاز امکانات تحقیقی ، منابع و موجودیت سکه های این دوره نیاز مبرم بوده که متأسفانه به دلیل جنگ های سه دهه داخلی تعداد زیادی از منابع ارشیفی و موزیمی مفقود و لادرک گردیده است . برای معلومات بیشتر بخش مسکوکات کتاب تحقیقی محتر احمد علی کهزاد که یک تحقیق جامعی در مورد سکه های دوره غزنویان انجام داد است و به صورت کامل از متن اصلی کتاب کاپی گردیده تا اطلاعات اندکی ا راییه گردد. نیز بخش مختصر مسکوکات غزنویان از کتاب سلطنت غزنویان نوشته استاد خلیل الله خلیلی نیز نقل گردید است.

مسکوک نقره

سبکتگین:

در یکطرف، در داخل دایره ، لا اله الا الله وحده لا شریک له الطابع الله (حاشیه خوانده نمیشود) در طرف دیگر ، الله محمد رسول الله نوح بن منظور سبکتگین 9 حاشیه ان خوانده نمیشود . ده عدد مسکوک دیگر که مشاهده شده بعداً عبارات و نقوش از مسکوک فوق اختلاف دارد .

محمود :

(1): مسکوک نقره بی: 40 عدد مسکوک نقره بی که مشاهده شده با بعض اختلافات در کلمات و نقوش قرار ذیل است.

طرف راست ، برعایت ت رتیب کلمات در روی سکه لا اله الا الله وحده لا شریک له یمنی - بسم الله ضرب هذا درهم سجستان سنه سبع و تسعین و ثلاثمائه (397)

طرف دیگر ، برعایت ترتیب کلمات روی سکه ، الله محمد رسول الله القادر بالله یمنی الدوله ابو امین المله ابوالقاسم محمد رسول الله ارسله بالهدی.

در مسکوکات دیگر ، طرف راست لاله الا الله وحده لا شریک له - الطابع الله . وبه جانب دیگر برعایت ترتیب خطوط سکه عبارت :الله محمد رسول الله منصور بن نوح سیف الدوله محمود خوانده میشود.

در مسکوکات دیگر باخلاف ترتیب خروف ذکر القاب محمود یمنی الدوله سیف الدو له امین المله باضافه شروح مذکور بنظر میرسد.

(2) مسکوکات مسی ، سه قطعه از سلطان محمود ملاحظه شده در یکی ازین مسکوکات که بخوب خوانده میشود در طرف راست در داخل سکه کلمه محمود امین المله نوشته شده و در چهار طرف سکه کلمات القادر بالله و لا اله الا الله وحده لا شریک له نوشته شده.

در طرف دیگر : در داخل دایره نقطه دار این جمله ، محمد رسول الله یمنی الدوله ابوالقاسم بنظر میرسد.

نصر برادر محمود:

در مسکوکات نقره ، در طرف راست در داخل دایره به ترتیب و رعایت خطوط سکه این عبارت ، یعنی لا اله الا لله و حده لاشریک له نظر و در حاشیه نطقه لفظ سجستان خوانده میشود.

در طرف چپ ، برعایت ترتیب خطوط سکه کلمات الله محمد رسول الله القادر بالله یمین الدوله و امین المله ابوالقاسم خوانده شده ولی حاشیه خوانده نمیشود.

محمود و طاهر:

در روی سکه که به سال 381 هجری در سجستان ضرب شده چنین خوانده میشود. لا اله الا الله و حدخ طاهر بن ولی الدوله ابن احمد.

بسم الله ظرب هذا الدرهم بسجستان سنه احمدي و ثمانين و ثلث مايه

در پشت ، لله محمد رسول الله القادر بالله یمین الدوله محمود – محمد رسول الله ارسله بالهدی .

ول الدوله : (پدر طاهر)

روی سکه، لله محمد رسول الله القادر بالله القادر خوانده میشود حاشیه مثل بالاست

مسعود:

سیزده عدد مسکوک نقره‌یی او مشاهده شده که حواشی اکثر خوانده نمیشود و عموماً جمله لاله الا لله و حده لاشریک له در رو و جمله لله محمد رسول الله علیه السلم مسعود در طرف دیگر خوانده میشود . در بعضی دیگر ، محمد رسول الله القايم بامرالله ناصر دين الله مسعود خوانده میشود. و در یکی دیگر محمد رسول الله کيقباد خليفه الله مسعود دیده میشود.

مودود:

هفت مسکوک نقره یی و دو مسکوک مسی او مشاهده شده که در همه اسم ماه نیز قید شده

روی سکه ، بطور لکی چنین خوانده میشود ، محرم عدل لاله الا الهه و حده لاشریک له القايم بامرالله.

پشت سکه ، الوالفتح محمد رسول الله شهاب الدوله و فخرالامه مودود

پول های مسی ، نیز مثل مسکوکات فوق است.

شش دانه پول ، مخلوط فلزی هم از مودود دیده شده که مثل مسکوکات نقره یی میباشد اما در یکی از آن محل ضرب نیز ذکر شده باین معنی الوالفتح شهاب الدوله و قطب المله مودود – ضرب هذا الدرهم بلو هورفی سنه ثلث یا خمس و ثلثین وار بعمایه.

عبدالرشید:

یازده دانه مسکوک مخلوط فلزی ازو دیده شده که باختلاف کمی در عبارات و اشکال چنین ضرب شده .
عزالدوله و زین المله ابو منصور الرشید.

فرخزاد:

مسکوکات نقره ، برروز ظفر لاله الله وحده لاشریک له القايم بامر الله در طرف دیگر محمد رسول الله حمل
الدوله کمال المله فرخ زاد.

مسکوکات مخلوط ، بر رو عدل جمال الدوله ابوشجاع فرخ زاد.

ابراهیم:

سیزده دانه مسکوک نقره او ملاد ظه شده که در خوانا ترین ان چنین خوانده میشود در یک رو لاله الا الله وحده
لاشریک لاه القايم بامر الله ملک الاسلام نصیری. در روی دیگر ، لله ملک لله محمد رسول الله السلطان القاهر
الملوک سید السلاطین ابراهیم.

مسکوک مخلوط ، چهار دانه ان ملاحظه شده از مسکوک نقره کمی اختلاف داشته و در یکی جای ضرب (لاهور)
نیز قید شده است.

مسعود سوم :

یازده دانه مسکوک فلزی مخلوط او مشاهده شده که در پشت و روی ان چنین ضرب زدهاند . در رو ، عدل لا اله
الا الله محمد رسول الله المستظهر بالله قاهری در پشت ملک السلطان العادل مولی السلاطین نظام الدین مسعود در
باقی نیز همین عبارات باختلاف مختصری خوانده میشود.

ملک ارسلان :

یک مسکوک مخلوط ازو دیده شده که جمله ذیل در ان خوانده میشود بها السلطان العظم ملک ارسلان.

بهرام شاه :

نه مسکوک نقره ازودیده شده که این عبارت در ان نقش است ، الله لا اله الا الله المتر شد بالله عضدالدوله سنجر
در پشت السلطان محمد رسول الله السلطان العظم یمین الدوله بهرامشاه . در پنج مسکوک مخلوط او که دیده شده
چنین نوشته اند ، عدل السلطان الاعظم بهرامشاه.

خسروشاه :

یک مسکوک مخلوط ازو دیده شده که در بین دایره نقطه دار چنین نوشته ته اند . السلطان الاعظم معز الوله
خسروشاه.

خسروملک :

هشت مسکوک مخلوط فلزی ازو دیده شد در یکی از ان چنین نوشته اند . السلطان الاعظم سراج الدوله . در عقب خسروملک . بعضی مسکوکات دیگر نیز دیده شده که در دوره غزنویها به تقلید پولهای سامانادیوا یکی از برهمن شاه یان کابل زده شده در ین مسکوکات در بالای شکل سر اسپ اسم سلاطین غزنوی دیده میشود این پولها ممکن است در پنجاب در زمان حکمرانی مسعود اول برادرش محمد ضرب شده باشد. بعضی پولهای دیگر هم دیده شده که در ان نام مودود نقش است.

مسکوکات سلاطین غزنه کتاب سلطنت غزنویان نوشته خلیلی الله خلیلی

سبکتگین :

الف ، مسکوکات طلائی

محل ضرب : هرات

385 هجری

وزن : 4 گرام قطر : 24 ملی متر

روی سکه : ناظرالدین و الدوله سبکتگین

پشت سکه : لله الطایع لله – الملک المنصور نوح بن منصور

حاشیه سکه: هذا الدینار بهرات سنه خمس و ثمانین و صلثمانه

ب ، مسکوکات نقره یی:

وزن : 3،1 گرام قطر : 18 ملی متر

روی سکه : الطایع الله

پشت سکه: لله – نوح بن منصور – سبکتگین

حاشیه سکه : سنه ثلث و صمانین و ثلثمانه

یمین الدوله محمود<

الف: مسکوکات طلائی

نومره (1)

محل ضرب : غزنه 404 هجری

وزن : 3،9 گرام قطر: 15 ملی متر

روی یکه : القادر

پشت سکه : لله – یمین الدوله و امین المله ابوالقاسم

نومره (2)

محل ضرب غزنه سنه 417

وزن: 4،3 گرام قطر 25 ملی متر

روی سکه : القادر بالله

پشت سکه : لله – یمین الدوله و امین المله – محمود

نومره (3) محل ضرب : هرات

روی سکه : القادر بالله

پشت سکه: لله – یمین الدوله و امین المله – نظام الدین ابوالقاسم

نومره (5)

محل ضرب : نیشاپور – 390 هجری

وزن 4،9 گرام قطر 26 ملی متر

روی سکه : القادر بالله

پشت سکه : لله – الامیر سید یمین الدوله و امین المله ابوالقاسم ولی امیر المومنین

نومره (6)

محل ضرب : سجستان 392 هجری

وزن 1،7 گرام قطر 20 ملی متر

روی سکه : لاله الا الله وحده – یمین الدوله محمود

حاشیه ضرب: سجستان سنه اثنین و تسعین و ثلثمایه

پشت سکه : القادر بالله – لا اله الا الله وحده لاشریک له

ب: مسکوکات نقره یی:

نومره 1

محل ضرب : لایقره - قطر 21 ملی متر

روی سکه : القادر بالله

پشت سکه: لله یمین الدوله و امین المله محمود بن سبکتگین

نومره 2

محل ضرب : بلخ 420 هجری وزن 2،8 گرام قطر 22 ملی متر

روی سکه : عدل

پشت سکه : ابوالقاسم یمین الدوله محمود

سلطان مسعود

الف: مسکوکات طلائی

نومره 1

محل ضرب : هرات 422 هجری

روی سکه : الناصر الدین - القادر بالله - مسعود - الله

پشت سکه : المنتقم من اعداء الله ظهیر خلیفه الله - ابو سعید

نومره 3: 423 هجری

روی سکه: لایقره

پشت سکه: الناصرالدین ظهیر خلیفه الله مسعود بن محمود

نومره 4 محل ضرب : نیشاپور 422 هجری

روی سکه : القادر بالله

پشت سکه : لله ناصرالدین الله حافظ عبادالله مسعود

ب : مسکوکات نقره یی

نومره 1

محل ضرب : بلخ بین 421 - 422 هجری

روی سکه: عدل - القادر بالله

پشت سكه : لله ... عليه السلام مسعود

شهاب الدوله سلطان مودود

الف: مسكوكات نقره يى 434 هجرى

نومره 1 روى سكه : رجب - عدل

پشت سكه : القايم بامرالله - شهاب الدوله مودود

نومره 2

روى سكه : عدل - القايم بامرالله

پشت سكه: بتح (?) شهاب الدوله ابو الفتح مودود

ب: مسكوكات برنجى

روى سكه : القايم بامر الله

پشت سكه: الدوله ... الامه - ابو الفتح مودود

عبدالرشيد

الف: مسكوكات طلايى

وزن 2،8 گرام قطر 24 مللى متر

روى سكه: القايم بامر الله

پشت سكه: لله عزالدوله وزن المله - شرف الله عبدالرشيد

طفرل غاصب

الف : مسكوكات نقره يى

وزن 3،3 قطر 19 مللى متر

روى سكه : فتح بامر الله

پشت سکه : لله قوام الدوله - ابو سعيد - طغرل

فرخ زاد

الف : مسكوكات طلايى

محل ضرب : غزنه 444 هجرى وزن 4 گرام - قطر 24 مللى متر

روى سكه: عدل - القايم بامرالله

پشت سكه : فر - جمال الدوله و كمال المله فرخ زاد بن مسعود

ب: مسكوكات نقره يى - وزن 3،3 گرام - قطر 19 مللى متر

روى سكه: عدل - القايم بالله

پشت سكه: لله - ابوشجاع - فرحزاد بن مسعود

سلطان ابراهيم رضى

الف : مسكوكات طلايى - 455 هجرى - وزن 4،8 گرام - قطر 25 مل متر

روى سكه: لاله الاالله وحده لا شريك له - الايم بامرالله

پشت سكه: ظفر - نصير الدوله و ظهيرالمله - ابراهيم

ب: مسكوكات نقره يى

نومره 1 وزن 2،9 گرام - قطر 18 مللى متر

روى سكه : لله - القايم بامرالله - نصيرى

پشت سكه : ظهير الدوله - الملك ابراهيم

نومره 2

وزن 3 گرام - قطر 19 مللى متر

روى سكه : الايم بامرالله

پشت سكه : محمد رسول الله - ظهيرالدوله الملك ابراهيم نصيرى

نومره 3 وزن 3،3 گرام – قطر 18 ملی متر

روی سکه : ملک السلام – قاهر الملوك در حاشیه ملک

پشت سکه : لاله الا الله ملک الاسلام ابراهیم

نومره 4

وزن 2،8 گرام – قطر 19 ملی متر

روی سکه : القایم بامرالله – ملک السلام – نصیری در حاشیه الملک الله

پشت سکه : الله – السلطان العظم – قاید الملوك – سید السلاطین ابراهیم

مسعود سوم

الف: مسکوکات نقره بی

وزن 2،8 گرام – قطر 19 ملی متر

روی سکه : الله – محمد رسول الله – المستظهر یمینی (?)

پشت سکه : ابو سعید الاعظم – القایم بامرالله القایم به حجت الله مسعود ، حاشیه : الملک المویّد علأالدوله و

.....

بهرام شاه

الف : مسکوکات نقره بی

وزن 3،3 گرام – قطر 19 ملی متر

روی سکه : الله المسترشد بالله – غزالدوله (?) سنجر

پشت سکه : (?) السلطان الاعظم یمین الدوله بهرام شاه

این تشریحات از کتاب فهرست مسکوکات قدیمه اسلامیة موزه کابل ، تألیف دومی نیک سوردل چاپ دمش سال 1953 ترجمه و اقتباس شده.

عبدالوحید خلیلی

زمستان 1392 کابل

موخذ :

رساله غزنی شهر کشورگشایان ، دانشمندان و بنا های تاریخی منتشره بخش فرهنگی یونسکو

کتاب فیروز کوه تداوم هنر های سنتی افغان (انگلیسی)

کتاب وضع اجتماعی غزنویان نوشته محمد اکبر مددی (چاپ کابل)

کتاب سلطنت غزنویان نوشته استاد خلیلی چاپ دوم نشرات امیری 1387

ریاض الالواح غزنه نوشته شیخ محمد رضا چاپ مطبعه دولتی سال 1346ه ش

مسکوکات افغانستان در عصر اسلام نوشته احمد علی کهزاد از نشرات مدیریت عمومی تاریخ

ویبسایت شبکه اطلاع رسانی افغانستان

ویبلاگ افغانستان فردا

ویبسایت گوگل

مجموعه تصاویر آثار غزنویان موجود در موزیم ملی افغانستان